

عنوان مقاله:

جایگاه زن در نظامی و چاسر: شیرین و کریسید

محل انتشار:

دوفصلنامه تاریخ ادبیات، دوره 6، شماره 2 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

نیلوفر همت یار - دانشگاه شهید بهشتی، تهران

کیان سهیل - دانشگاه شهید بهشتی، تهران

خلاصه مقاله:

از آنجا که برای پی بردن به جایگاه زن در فرهنگ ملی هر سرزمینی یکی از گزینه ها مراجعه به متون ادبی است، مقاله حاضر با مقایسه خسرو و شیرین نظامی و ترپلس و کریسید چاسر و با بیان شباهت ها و تفاوت های موجود در آنها در صدد باز آفرینی تصویر زن در این دو اثر است. هر دو شاعر در تاریخ ادبیات سرزمین خود از اهمیت بسیاری برخوردارند. چاسر، پدر ادبیات انگلیسی و حضرت عشق خوانده شده و نظامی به عنوان سراینده قصه های بزمی و عاشقانه توفیق قدرت نمایی یافته، تا آنجا که سراینده دیگر تحت تاثیر سبک و نفوذ انکار ناپذیر وی قرار گرفته اند. با توجه به اهمیت این دو شاعر، دیدگاه آنها به نقش زن، خصوصا در نظام پدرسالار آن دوران، قابل تامل است. نکته حائز اهمیت پایان داستان ها است. شواهد بر آمده از داستان ها نشان می دهد که وفاداری شیرین در عشق، پایداری و ایثار جان، او را تبدیل به زنی نمونه و خوب می کند. اما کریسید با خیانت به ترپلس و پیوستن به دیومد، تبدیل به یک زن خیانتکار می شود. این پژوهش تفاوت دیدگاه به زن را در این دو اثر نشان می دهد. نظامی در اثر خویش با این فرهنگ می جنگد و نگاهی روشن به زن دارد که با جامعه بسته و فئودالی آن روزگار سنخیت زیادی ندارد. حال آن که چاسر با دیدی طعنه آمیز به این موضوع می پردازد. شباهت های عمده این داستان ها که این دو اثر را مناسب مقایسه می کند در طرح و پیرنگ، درون مایه و شخصیت پردازی آن ها است که از آن جمله می توان به زمینی و خاکی بودن عشق، حضور شاپور و پندروس به عنوان شخصیت های واسطه میان شخصیت های اصلی، مرگ شخصیت مرد، حضور فرهاد و دیومد که عاشق شخصیت های زن می شوند، موانع، هجران، بی وفایی، نصیحت و اظهار نیاز اشاره کرد.

کلمات کلیدی:

چاسر، جایگاه زن، خسرو و شیرین، ترپلس و کریسید

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1289735>

